

# پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

## بررسی تاریخی فرآیند شکل‌گیری هویت ملی در ایران

معصومه سادات دستجردی<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله سعی شده است که به بررسی تاریخی شکل‌گیری هویت ایرانی بپردازیم و دریابیم که در شکل‌گیری هویت ایرانیان چه عواملی نقش داشته است و در طی آن به این سؤال پاسخ خواهیم داد که سرزمینمان چه دورانی را از جهت تاریخی گذرانده تا هویتش شکل بگیرد. در ابتدای مقاله برای شناخت بیشتر به تعریف هویت، هویت ملی، هویت ایرانی و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان و چگونگی شکل‌گیری آن پرداخته شده است. در این نوشتار با گذری بر نظرات صاحب‌نظران، پاسخ‌هایی را برای این سؤال یافته‌ایم که ایران‌زمین چند دوره مشخص را به لحاظ هویتی طی نموده که عبارتند از هویت ایرانی پیش از اسلام، هویت ایرانی پس از اسلام و دوره معاصر که در این دوره تحولات مهم هویتی و سیاسی یعنی انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد که خود سبب می‌شود ایرانی دارای هویتی خاص و ممتاز شود.

**واژه‌های کلیدی:** هویت، هویت ملی، هویت ایرانی.

### ۱- مقدمه

بی‌گمان هویت هر ملتی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری آن جامعه می‌باشد. ملل گوناگون سعی تمام دارند تا با شناسایی مؤلفه‌های هویت خویش و تقویت آن‌ها زمینه انسجام اجتماعی بیشتر را فراهم آورند و البته در این راه شناخت اساسی و کامل این مؤلفه‌ها از نظرگاه‌های گوناگون و از جمله بررسی تاریخی هویت بسیار مهم و اساسی می‌باشد. به همین دلیل مورخان و علمای اجتماعی فراوانی به پژوهش و تحقیق در این رابطه پرداخته‌اند کشور ما هم از این قاعده مستثنی نیست و در سالهای اخیر تاریخدانان و جامعه‌شناسان به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و هر کدام با دیدگاه و نظر خاص خویش به موضوع نگاه کرده‌اند در این نوشتار سعی شده است تا حد امکان تمامی این دیدگاه‌ها را مد نظر قرار داده و دریابیم که به لحاظ تاریخی سرزمینمان چه مراحل را پشت سر گذاشته است تا هویتش شکل گیرد و چه عواملی در این شکل‌گیری نقش داشته است.

### ۲- تعریف هویت

هویت یا الهویه کلمه‌ای عربی است. این کلمه از هو به معنی او که ضمیر غایب مفرد مذکر است می‌آید و از آن لفظ هوهو یا الهوهو را ساخته‌اند که اسم مرکب است و معرفه به ال، معنی لغوی آن اتحاد به ذات یا انطباق

۱. هنرستان دخترانه زینب کبری منطقه ۸ تهران: www.masoomeh\_sadat@yahoo.com

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

به ذات است. اتحاد به ذات به معنی اتصاف و شناخته شدن و یکی شدن موصوف با صفات اصلی وجوهی مورد نظر است. وقتی از هویت پدیده ای سخن به میان می آید باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده ی مزبور به راستی گویای هیات و ماهیت وجودی آن است در غیر این صورت فاقد معنایی ماهوی آن خواهد بود. (زاهد، ۱۳۱، ۱۳۸۴) در فرهنگ معین در جلوی کلمه هویت چنین آمده است هویت عبارت از حقیقت جزئی است یعنی هر گاه ماهیت تشخص لحاظ و اعتبار شود هویت گویند و گاه هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه با لذات و گاه بالعرض است. (معین، ۵۲۸۸، ۱۳۷۱).

در تعریف دیگر برای هویت چنین آمده است پاسخی که در مقابل سوال من کیستم؟ می دهید هویت شما را تشکیل می دهد. به عبارتی ویژگی هایی که برای خودتان بر می شمارید و خود را با آن می شناسید هویت شما را تشکیل می دهد. (رجب زاده، ۹۶، ۱۳۸۶).

از نظرگاه دیگر هویت در معنای اولیه و عام آن پاسخی است که به پرسش از کیستی؟ داده می شد و ما در پاسخ کیستی؟ به تناسب شناختی که از مخاطب خود داریم عباراتی بیان می کنیم هنگام ثبت نام در مدرسه نام و نام خانوادگی، نام پدر و تاریخ تولد محل تولد و اطلاعاتی از این قبیل را می نویسیم در مسافرت گفتگوی با همسفر، دوست داریم شغل تحصیلات و ویژگی های اخلاقی و روحی او را بشناسیم (پارسا نیا، ۳۹، ۱۳۹۰).

برخی از اندیشمندان هویت را با تاکید بر وجه تشخیص تعریف کرده اند. نظیر آنچه که شیخاوندی ارائه نموده است و هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان تعریف صریح یک شئی یا یک شخص را فراهم می آورد. (شیخاوندی، ۶، ۱۳۸۰).

برخی دیگر از جامعه شناسان مقوله هویت را با دید جدلی و تقابلی آن تعریف نموده اند. در نگاه این گروه اساس هویت در مقابل غیر قابل طرح است اگر فضا یکدست باشد عنصر هویت خود را نشان می دهد از این منظر هویت به معنی هستی و وجود است چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد تا او را از دیگران متمایز کند. انسان ها هویت خویش را در حذف چیزی یا در برابر چیزی تعریف می کنند. (تاجیک، ۱۶۱، ۱۳۷۹).

شهید مطهری نیز در تعریف هویت می گوید هویت فردی انسان به عنوان موجودی اجتماعی و متمایز از موجودات دیگر، در قابلیت ها، آگاهی ها و کمالات انسان نهفته است. یعنی با توجه به عقل، اختیار و عدم و در نهایت تلاش انسان برای وصول به حق تعالی می توان برای انسان هویت مطلوب فردی تعریف کرد که در آن دین و ایمان دینی دارای جایگاهی اساسی است. (قربانی، ۱۷، ۱۳۸۳).

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۳- هویت ملی

هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) است. بهترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارتند از، سرزمین، وسیع و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت، در درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، احساس هویت ملی آن‌ها را مشخص می‌سازد. (یوسفی، ۱۳۸۰، ۱۷).

هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی پیرامون خود گذشته، کیفیت زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی فرهنگی و ارزشهای مهم از هویت تاریخی خود است. (باوند، ۱۳۷۷، ۳۱).

برخی از تعاریف هویت ملی بر عناصر یکپارچه‌کننده واحد سیاسی مستقل تأکید دارند و آن را مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی تعریف می‌کنند. (حاجیان، ۱۳۷۹، ۱۹۷)

گروهی دیگر به جنبه روانی آن تأکید دارند. عده‌ای نیز مشترکات ملی و دلبستگی بدان را عنصر اصلی تعریف هویت ملی دانسته‌اند و آن را به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، اجتماعی و قومی که زندگی انسانی را در بر می‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند تعریف می‌کنند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ۱۱).

استاد مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می‌نویسد اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی بنامیم تعریف آن عبارت خواهد بود از وجود احساس مشترک یا وجدان دسته‌جمعی در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند (مطهری، ۱۳۶۳، ۲۲) و عده‌ای هویت ملی را اینگونه تعریف کرده‌اند هویت ملی از نظر جامعه‌شناسی به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و دارای ابعاد مختلف خرده فرهنگ ملی - دینی جامعه‌ای و انسانی است و ویژگی اصلی آن قابلیت انعطاف اجزاء آن و بومی بودن ابعاد تشکیل دهنده آن می‌باشد. (رزازی فر، ۱۳۷۹، ۱۰۸).

احمد اشرف هویت ملی را نوعی از هویت اجتماعی می‌داند و آن را احساس همبستگی ملی قومی و آگاهی از آن احساس وفاداری به آن و فداکاری در راه آن تعریف می‌کند. به اعتقاد وی هویت ملی و قومی مانند هویت فردی و جمعی در کشاکش تصور ما از دیگران شکل می‌گیرد. ایران در برابر ایرانیان در برابر تورانیان عجم در برابر عرب. بنابراین آگاهی به چگونگی هستی ما، به آگاهی از هستی دیگران وابسته است

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در حقیقت مفهوم «ما» و «دیگران» دو روی یک سکه اند که هر کدام بدون دیگری بی معناست. (لک، ۱۳۸۴، ۶۵).

### ۴- هویت ایرانی

از دیدگاه احمد اشرف مفهوم تاریخی هویت ایرانی در نهضت های قومی، سیاسی و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی با فراز و نشیب هایی پایدار ماند و در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت هویت ملی متجلی شد (زاهدی، ۱۳۲، ۱۳۸۶). طباطبایی هویت ایرانی را شامل سه اقلیم وجودی زمان، مکان و بازیگر واقعه تاریخی می داند و با طرح این مسائل و بر اساس ایده کنش و واکنش بین آگاهی قومی و خودآگاهی ملی هویت ایرانی را در مکانی به نام ایران زمین و در بستر زمانی تاریخ و در دوران قدیم و جدید مطرح می نماید که در دوره باستان، بازیگر آن واقعه زمانی پادشاه دادگر و مقتدر خردورز و دارای فره ایزدی (اندیشه ایران شهری) است. در دوره ای دیگر سلسله های ایرانی تبار، زمانی دیگر فردوسی با خردنامه حماسی خود و در برهه ای دیگر حافظ با اشعار عارفانه اش به لسان غیب تداوم گر هویت ایرانی تبدیل می شود. (خانی، ۱۳۸۷، ۶۶).

استاد مطهری در زمره ی علما و روشنفکران مذهبی است که بر دو مولفه ی اسلامی و ایرانی هویت ایرانی تأکید دارد در نظر استاد مطهری تعریف و ماهیت هویت ملی ایرانیان با تعاریف رایج محافل علمی تفاوت بارزی دارد. ایشان بر اهمیت و نقش مذهب به عنوان اصیل ترین عنصر در هویت ملی تأکید دارد و بقیه عناصر را در قالب دینی و مذهبی معنا و هویت می دهد پس در نظر وی عناصر غیر دینی نقش ثانوی دارند. (قربانی، ۱۳۸۳، ۸۴).

رضا داوری اردکانی در مورد هویت ایرانی چنین می نویسد، دستیابی به هویت ملی در ایران به دو طریق مطرح گردید، برخی از صاحب نظران بعد مذهبی مسأله را در نظر داشته و به تأثیر بی قید و شرط آن در رشد جامعه و هویت ملی تأکید دارند عده ای نیز بازگشت به فرهنگ ایرانی کشور را که تاریخ آن به دوران قبل از اسلام باز می گردد تجویز می کنند (مروار، ۳۳، ۱۳۸۴). در دیدگاه امام خمینی عنصر اصلی و کلیدی هویت ملی ایرانیان فرهنگ اصیل اسلامی است که فرهنگی انسانی، سالم و مستقل است و توانایی ساختن انسان هایی مستقل و کشوری قدرتمند را دارد. (فوزی، ۱۳۸۴، ۱۱).

### ۵- مولفه های هویت ملی ایرانیان

آنچه که اغلب محققین بر آن اتفاق نظر دارند این است که سه رکن مهم و عمده هویت ملی در ایران عبارتند از، ۱- جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن ۲- زبان فارسی با همه تغییراتی

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

که در اثر آمیزش یا زبان های ترکی، مغول و عربی داشته است. ۳- دین اسلام که بر غم همه اختلافات فرقه ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده است. (زاهدی، ۱۳۳، ۱۳۸۴).

زیرین کوب معتقد است با در نظر گرفتن این نکته که هویت ایرانی هویتی یک پایه نبوده و به رغم برخی اقوام و ملل که هویت شان بر پایه عامل زبان یا نژاد مشترک استوار است هویت ایرانی هویتی چند پایه و بر عوامل چون سرزمین مشترک تاریخ مشترک ادبیات مشترک، دین مشترک، آداب و سنن مشترک، فرهنگ مشترک و زبان مشترک استوار بوده است و هر ایرانی که در یک عامل از عوامل یاد شده یا ایرانی دیگر شریک نباشد در دیگر عوامل با او و دیگر ایرانیان اشتراک دارند. (راعی گلوچه، ۳۱، ۱۳۸۲)

از نظر استاد مرتضی مطهری مهمترین عامل هویت یابی ایرانیان گرایش آنان به دین اسلام می باشد چرا که اسلام به واسطه خصوصیات معنوی خود توانست به ایرانیان هویت جدیدی اعطا کند و به ایرانی بودن نیز معنای جدیدی بدهد (قربانی، ۸۴، ۱۳۸۳). دکتر اعوانی نیز در این رابطه می نویسد، دو عامل را می توان به عنوان خصایص هویت ایرانی ذکر کرد یکی دین و دیگری اندیشه ورزی (خردورزی)، ایرانیان در دوره های قبل از اسلام و پس از آن همواره دین دار و خداپرست بوده اند. (اعوانی، ۲۱۴، ۱۳۸۳).

### ۶- چگونگی شکل گیری هویت ملی ایرانیان قبل از اسلام

دکتر شیرین بیانی در مورد چگونگی شکل گیری هویت ملی ایرانیان معتقد است هویت ایران را فلات ایران یعنی از رود جیحون تا ماورای زاگرس ساخته است این فلات از نظر موقع جغرافیایی حد و مرزی داشته که طبیعت حدود آن را مشخص کرده است و ما آن را فلات ایران می نامیم از اینجا فراز و نشیب های شروع شده است. از دوره هایی که تاریخ نگار وجود نداشته ایران وارد تمدن های اولیه شده است یعنی از ۲۰ هزار سال پیش تا کنون تمدن و فرهنگ ایران شکل و حال عوض کرده، فراز و نشیب داشته اما منقطع نشده است و این هم در ساختن هویت ما خیلی موثر است. (بیانی، ۲۵۵، ۱۳۸۲).

ایران همراه دو همزاد بدخواه و توطئه گر زاده می شود سرگذشت ایران داستان دشمنی ها و کینه توزی ها و توطئه چینی های بی امان و پیگیر این همزادان بد اندیش بدخواه دژ آفرین است. در زمان پیشدادیان دشمن اصلی توران است. پس از پیشدادیان نوبت به کیانیان می رسد و در دوران آنان جنگ میان سه بخش جهان به خصوص میان ایران و توران شدت می گیرد تا آنکه اسکندر ملعون از غرب بر ایران می تازد و سلسله کیانی را بر می اندازد و به راهنمایی ارسطو دومین توطئه بزرگ تاریخ را بر علیه ایران تدارک می بیند و ملوک طوایف را بر ایران زمین چیره می گرداند، اگر اولین توطئه اساطیری به دست توران و به یاری غرب است این توطئه یک راست از غرب بر می آید تا روم در امان بماند (تاجیک، ۱۳۷۹، ۱۶۲).

سکندر سگالید از آنگونه رای که تا روم آباد ماند به جای

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بخش نخستین شاهنامه اصل و بیخ هویت ایرانی را در اساطیر یعنی در ژرفای آگاهی جمعی اقوام ایرانی نشان می‌دهد. اهور مزدا نخستین انسان و نخستین پادشاه جامعه انسانی را در ایران زمین که در میانه جهان جای دارد می‌آفریند. آنگاه پر و بال و شاخ و برگ انسان را از میانه جهان بر شرق و غرب می‌گستراند. سپس زمان جدایی فرا می‌رسد و جهان به سه کشور بخش می‌شود. در میان آن ایران زمین و دوسوی آن غرب (یونان و روم) و شرق (توران و چین) جا می‌گیرد. از این زمان هویت ایرانی با پادشاهی ایرج در برابر هویت قومی شرق و غرب بنیاد نهاده می‌شود. سلم پادشاه غرب مظهر خردمندی و درنگ و بردباری است. تور پادشاه توران زمین مظهر شتاب و تعصب و دلیری است و ایرج نخستین پادشاه ایران زمین مظهر میانه روی است یعنی جامع شتاب و درنگ است هم هوشمند است و هم دلیر (تاجیک، ۱۶۳، ۱۳۷۹). طباطبایی هویت این دوره را در اندیشه ایران شهری می‌دادند در این دوره نظام شاهنشاهی و فرهنگ ایرانی که در کانون آن اندیشه ایران شهری قرار دارد عامل وحدت و ستون‌های بقای ایران زمین به شمار می‌آیند و شاهنشاهی دولت نیست، دولت دولت هاست وحدت در کثرت دولت‌های ناوابسته اما پیوسته است. این صورت از دولت خودکامی و وحدت بدون کثرت دولت‌ها سازگار نیست بر این اساس می‌توان عناصر و مفردات اندیشه ایران شهری را به صورت زیر بازگو نمود وجود پادشاهی مقتدر و دادگر - خردورزی - فره ایزدی بدین سان مکان خودآگاهی از هویت و فردیت توأم با ناوابستگی در دوران باستان را می‌توان در اندیشه ایران شهری جستجو کرد. (۵۳، ۱۳۸۷).

جامعه ایرانی در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود همواره دارای هویت دینی بوده است. اولین پادشاهی بزرگی که در فلات ایران شکل گرفت و به ۲۵۰۰ سال پیش باز می‌گردد حکومت هخامنشیان است که کوروش بنیان‌گذار آن از وجهه‌ای کاملاً مذهبی برخوردار بوده است. نقش مذهبی کوروش که در نقوش برجسته سنگی پاسارگارد به خوبی به چشم می‌خورد تا جایی است که برخی از تاریخ‌نگاران او را ذوالقرنین می‌دانند. دیگر سلسله بزرگ ایرانی قبل از اسلام یعنی ساسانیان نیز ارزش‌های حاکم خویش را با دین زرتشت توجیه می‌نمود. از همین دو تمدن بارز قبل از اسلام است که به عقیده برخی از نویسندگان می‌توان ارزش‌های دینی و نظام شاهنشاهی را به عنوان دو خصیصه مهم فرهنگ مردمی که در فلات ایران زندگی می‌کردند استنتاج نمود. جالب این جاست که در تاریخ ۶۰۰۰ ساله ایران نشانه‌ای از بت پرستی مشاهده نشده است. (زاهد، ۱۳۸۴، ۱۳۴).

با جستجو در آثار کهن تاریخی و دانشمندان غربی، یونانی، رومی، عربی و ایرانی می‌توان گفت این متون تاریخی و فرهنگی همگی حاکی از آن است که ایرانیان و غیر ایرانیان (غربی‌ها و عرب‌ها) به ایرانی به عنوان پدیده‌های برخوردار از ویژگی تمدنی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی ویژه‌ی نگریده‌اند و این برداشت از

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایران و ایرانی نوعی هویت ملی و آگاهی تاریخی خاص به ایرانیان داده است که در بسیاری از متون تاریخی و فرهنگی قبل و بعد از اسلام به چشم می‌خورد و در طول تاریخ هم چنان تداوم یافته و بنیادهای هویت ملی مدرن ایرانی را ساخته است (احمدی، ۱۳۸۲، ۳۵).

اما علامه مطهری معتقد است که دوران قبل از اسلام با وجود داشتن مؤلفه‌های قوی هویتی دارای نقاط ضعف اساسی بوده است. از نظر ایشان در سال‌های پایانی سلسله‌ی ساسانی هویت ایرانی علی‌رغم غنای فرهنگی و سوابق تمدنی ایران آن روز دچار بحرانی بزرگ شده بود که تنها با ارمغان اسلام برطرف گردید و هویت جدیدی با معنای نوین به عنصر ایرانی بخشید (قربانی، ۱۳۸۲، ۸۳). اینگونه بود که هویت ملی ایرانیان وارد مرحله جدید و البته مهم شد و آن دوره اسلامی است.

### ۷- هویت ایران بعد از اسلام

آمدن اسلام مانند دمیدن روح تازه‌ای به کالبد هویت ایرانی بود هویت ایرانی که در این دوره شکل گرفته بود با آمدن اسلام خون تازه‌ای را در رگ‌های خویش احساس کرد و زمینه پیشرفت این هویت فراهم آمد استاد مطهری در این مورد نوشته است، مهم‌ترین حادثه‌ی تاریخ ایران ورود اسلام و خدمات آن به ایران است. اسلام با ورود خود به ایران ضمن از بین بردن تشنت آرا و تکثر عقاید مذهبی وحدت عقیدتی و دینی را جایگزین آن کرد که در آن فکر واحد آرمان واحد و ایده آل واحد به وجود آمد. اسلام حصار سیاسی و مذهبی گرداگرد ایران را در هم شکست تا امکان شکوفایی استعداد ایرانی فراهم گردد. به طوری که مطالعه تاریخ ایران نشان می‌دهد چنان شور و هیجان علمی و فرهنگی در ایرانیان پدید آورد که آن‌ها را در اوج قله‌های علمی و حتی مرجعیت دینی قرار داد. (مطهری، ۱۳۷۲، ۳۶).

به عقیده‌ی مطهری عامل اساسی هویت‌یابی ایرانیان را می‌توان گرایش به اسلام و تشیع دانست از نظر وی این گرایش دارای سه علت اساسی است اول خسته شدن مردم از حکومت ساسانیان، دوم عدم کارآیی دین زرتشت و ادیان آن روز و سوم جاذبه‌های معنوی و عظمت واقعی اسلام از این میان عامل سوم بیش از دو عامل قبلی دارای اهمیت بود یعنی اسلام به عنوان یک دین‌رهایی بخش با خصوصیات روحی و اخلاقی ایرانیان بسیار مناسب بود و سازگاری داشت. (قربانی، ۱۳۸۳، ۲۳).

اما برخی دیگر از اندیشمندان عوامل دیگری را در هویت ایران پس از اسلام دخیل می‌دانند که نمونه آن ذبیح‌الله صفا است. در آثار صفا فرهنگ و هویت ایرانی بر دو چیز بنا شده است زبان فارسی و نهاد شاهنشاهی وی مدعی است که نه تنها این دو مقوله شکل‌دهنده‌ی هویت ایرانیان هستند بلکه اصولاً راز بقا و دوام ملی و فرهنگی آنان با این دو عامل ارتباط مستقیم دارد. (رجایی، ۱۳۸۲، ۵۰).

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

البته این نظر گاه مخالفان جدی هم دارد از جمله زرین کوب اعتقاد اساسی دارد که اسلام تاثیر بس شگرف در هویت ایرانیان داشته است و موجب تحول آنان شده است. وی چنین می‌نویسد، باری بامداد روزی که اسلام هر شهری را در ایران می‌گشود تحولی شگرف در احوال فرد و در نظام جامعه روی می‌نمود برای فرد حقوق تازه‌ی پدید می‌آمد که از آن بی‌خبر بود وظایف تازه‌ی تعیین می‌شد که بدان آشنایی نداشت در جامعه نظم طبقات و امتیاز خاندان‌ها از بین می‌رفت و دین تازه فاصله‌ی بی‌را که بین کفشگر زاده و موبد زاده بود پر می‌کرد. (زرین کوب، ۱۳۶۳، ۳۷۳).

عباس اقبال آشتیانی نیز همانند زرین کوب آمدن اسلام را موجب تحول و ترقی ایران و هویت ایرانی می‌داند. این مورخ هجوم اعراب به ایران را نه تنها پایان تمدن ایران و آغاز انحطاط آن نمی‌داند و بلکه این واقعه را با تمام مشکلاتی که به همراه داشت مرحله‌ی دیگری از تحول و تکامل این سرزمین معرفی می‌کند. به زعم وی اعراب مهم‌تر از جنبه‌های مادی زندگی امنیت و عدالت و شریعت عالی‌تری که پیام آور ترقی و اصلاح بود با خود آوردند و جامعه‌ی ایران را از اینکه به وسیله‌ی هیاطله و اتراک و رومی‌ها از بین رود نجات دادند. (کریمی پور، ۱۳۸۲، ۱۱۳).

باری این دین اسلام بود که هویت ایرانی را تغییر داد و برای وی هویت تازه‌ای ایجاد کرد ملتی که با رغبت آیین جدید را پذیرفت ایرانیان به راستی و آکنده از عشق و ایمان به این آیین جدید روی می‌آوردند و به همین جهت هم بود که توانستند بر اساس جهان بینی توحیدی شاهکارهایی در همه زمینه‌ها فراهم آورند به قول ایران شناس برجسته محمدی هر چه آشنایی ایرانیان با این دین بیشتر شد پیشرفت آن در میان آن‌ها سریع‌تر گردید. (رجایی، ۱۳۸۲، ۱۲۴).

در این دوره عامل دیگری که بخشی از هویت ایرانیان را تشکیل داد و آن‌ها را از سایر مللی که تحت نفوذ اعراب قرار گرفته بودند متمایز ساخت همانا زبان فارسی بود مسلمانان عرب زبان هر نقطه‌ای را که تسخیر کردند زبان خویش را نیز رواج دادند و به عبارتی زبان بومی و محلی آن سرزمین از بین رفت و فراموش شد نمونه آن سرزمین‌های شمال آفریقا است که پس از تسخیر توسط مسلمانان زبان عربی زبان آنان نیز گردید اما ایرانیان گرچه دو قرن را در سکوت گذراندند اما پس از مدتی زبان خویش را بکار بستند به نحوی که این زبان تبدیل به زبان دوم امت اسلامی شد.

مرتضی فلاح در مورد اهمیت نقش زبان فارس در هویت یابی ایرانیان معتقد است این زبان چه در آن روزگارانی که کوروش و داریوش بدان سخن می‌گفتند و منشورها و فرمان‌های خویش را بر پیشانی صخره‌ها و ستون‌ها حک می‌کردند چه آن زمان که فردوسی بزرگ حماسه سترگ خود را با آن می‌سرود تا علایق ملی و فرهنگی را با آن نیرو بخشد و خودشناسی و خودباوری را به ایرانیان نشان دهد. چه هنگامی که مولوی



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آفریننده بزرگ ادب عرفانی ایران و جهان آثار خود را با آن سرود تا اصالت دینی و عرفانی را به مردم بیاموزاند چه هنگامی که حافظ و سعدی ماندگارترین آثار ادبی خود را با آن نوشتند همواره نقش اصلی و ویژه ای در پایداری و حیات ایرانیان و وحدت ملی ایفا کرده و می کند و در حقیقت زبان فارسی همیشه چون حلقه ای مرئی و نامرئی هویت فرهنگی و ملی مردم ایران و اقدام آن را به یکدیگر پیوند داده و همچنان عامل اصلی وحدت ملی ایرانیان است. (فلاح، ۱۳۸۷، ۷).

البته شهید مطهری ضمن تأکید بر اهمیت نقش زبان در هویت ملی کشورها آن را به گونه ای دیگر بیان می کند. بدیهی است که در اولین مراحل تکوین یک ملیت زبان و سنن مشترک عامل معارفه و نزدیکی افراد به هم و کانالی برای ارتباط قلوب و عواطف و در نتیجه رشد شعور جمعی و ملی است ولی به گذشته ملتها که مراجعه می کنیم عامل زبان مشترک را نه یک عنصر سازنده بلکه عامل محصول ملیت می یابیم. زبان هیچیک از ملت ها از ابتدا تکوینشان به صورت فعلی نبوده بلکه پس از جمع شدن و پیوند یافتن قلوب جماعت در سرزمینی معین، زبان آن ها هم با ایشان به وجود آمده، تکامل پیدا کرده و قواعد و اصول آن گسترش یافته و در طی قرن ها، با برخورد با زبان های ملل دیگر تغییر شکل و تحولاتی ممتد به خود پذیرفته تا به حد امروزی رسیده است.

اگر در دوره های معینی از تاریخ یک ملت مثلاً در مبارزه استقلال، زبان یا سنن معینی جلوه و ظهور بیشتر یافته و سمبل و شعار آرمان ملی می گردد چنانچه زبان هندی به هنگام مبارزه استقلال طلبی هند و زبان عربی در دوران جنگ های آزادی بخش الجزایر چنین نقشی داشته اند ولی این جلوه و ظهوری موقت است و تنها حکم انگیزاننده توده ملت را دارد. (مطهری، ۱۳۶۳، ۲۲).

هویت ملی باید مطلق و یک پارچه باشد و چون زبان یکی از ارکان یا یکی از تجلیات هویت ملی است پس هویت ملی مطلق وحدت مطلق زبان را لازم می آورد که زبان فارسی در سرزمین پهناور ما وظیفه وصل کردن عناصر رنگارنگ تشکیل دهنده هویت ملی ایران را برعهده دارد. (دریابندری، ۱۳۶۹، ۵۵)

اگر نپذیریم که هویت ایرانی با شعر تعریف می شود و آن را غلو شاعرانه بدانیم در قبول این نکته اتفاق نظر خواهیم داشت که زبان و ادبیات فارسی یکی از عوامل مهم هویت ملی مان است به تعبیر آیت الله خامنه ای رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی ایران، زبان فارسی «یک میراث عظیم و با شکوه و بسیار ارزشمند و ما به سربلندی و از گنجینه های عظیم موارث فرهنگی و در واقع همه چیز ماست و رمز هویت ملی ماست» این زبان وسیله مراوده اقوامی می باشد که خود را ایرانی می دانند. هر چند به علل سیاسی بخش هایی از کشور ایران جدا شده و مردم ساکن در آن مناطق هنوز به این زبان با یکدیگر تکلم می کنند اما از قرن دوم هجری به بعد زبان فارسی وجه تمایز ایرانیان از دیگر اقوام ساکن در منطقه بوده است. (زاهد، ۱۳۸۴، ۱۳۳). آنچه عامل

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

هویت بخش و وحدت بخش ایران زمین است که فرهنگ ایرانی در گسترده ترین معنای آن عمده ترین عامل آن به شمار می آید و چنان استوار بود که توانست تداوم تاریخی و آیینی و فکری ایرانیان را در گذر سده های طولانی تضمین کند فرهنگ ایرانی که اندیشه ایران شهری در کانون آن قرار داشت و در دوره اسلامی با شعر و ادب فارسی در آمیخت. (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۱۱۵)

### ۸- شیعه نقطه عطفی در هویت ایرانی

بی گمان یکی از اصلی ترین عوامل تشکیل دهنده هویت ایرانی همانا مذهب تشیع است که موجب شد ایرانیان دارای هویتی متمایز از سایر ملل اسلامی باشند عاملی که سبب شد با رسمی شدن آن (مذهب تشیع) ایرانی دارای هویتی به معنای خاص آن شود و از آن پس بود که ایرانیان توانستند هویت خاص خود را برابر سایر ملل اسلامی مطرح کرده و از این نظر دارای جایگاهی ویژه در میان ملل اسلامی و سایر ملل جهان شوند.

استاد مطهری در بیان علت گرایش ایرانیان به تشیع معتقد است. در میان اقوام مسلمان ایرانیان بیش از دیگران نسبت به خاندان نبوت علاقه و ارادت نشان داده اند هرچند اکثریت مردم ایران از دوره صفویه به بعد شیعه شدند اما این روشن است ایران از هر جای دیگری برای تشیع مناسب تر بوده لذا به نظر مطهری علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدن شان یک چیز است ایران روح خود را با اسلام سازگار دید و گم گشته ی خویش را در اسلام یافت. مردم ایران که طبعاً مردمی با هوش بودند. و به علاوه سابقه ی فرهنگ و تمدن داشتند بیش از هر ملت دیگر نسبت به اسلام شیفتگی نشان دادند و به آن خدمت کردند مردم ایران بیش از هر ملت دیگر به روح و معنی اسلام توجه داشتند به همین دلیل توجه ایرانیان به خاندان رسالت از هر ملت دیگر بیشتر بود و تشیع در میان ایرانیان نفوذ بیشتری یافت یعنی ایرانیان روح اسلام و معنی اسلام را در نزد خاندان رسالت یافتند فقط خاندان رسالت بودند که پاسخگوی پرسش ها و نیازهای واقعی روح ایرانیان بودند. ایرانی که قرن ها تحت ظلم و محرومیت بود انتظار عدل و مساوات حقیقی را می طلبید و آن را در کسانی می دید که بدون هیچگونه تعصب، اجرا می کردند و آن تنها خاندان نبوت بودند یعنی خاندان رسالت پناهگاه عدل اسلامی به خصوص از نظر مسلمانان غیر عرب بودند. (قربانی، ۱۳۸۳، ۸۲)

اما نمود این مولفه هویتی یعنی مذهب شیعه حکومت صفویه بود که برای اولین بار مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور گردانید. بر آمدن سلسله صفویه به منزله روی کار آمدن دولتی فراگیر بود که مرزهای ایران را به عهد ساسانیان رساند، خاستگاه ایرانی داشت. مذهب شیعه را رسمی کرد بیش از دو سده این جغرافیای واحد را حفظ نموده. این دولت، از آغاز بر عنصر دیوان سالاری و فرهنگ ایرانی تکیه داد و عرصه ای برای احیا و تقویت هویت ایرانی در ابعاد مختلف پدید آورد. (گودرزی، ۱۳۸۶، ۶). در عصر صفوی برای نخستین بار پس از افول ساسانیان پایه های پنجگانه تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و دینی نیز که در عصر ساسانیان

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تدوین و ثبت شده بود برای فراهم آمدن. انتخاب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران، که همزمان با رشد امپراتوری های اسلامی سنی در غرب و شرق و جنوب شرقی ایران بود سبب شد تا مذهب شیعه از عوامل مشخصه هویت ایرانی در جهان اسلام شناخته شود. (اشرف، ۱۳۸۷، ۱۲۳)

### ۹- هویت ایرانی در دوران معاصر

یکی از مهم ترین دوران در برابر هویت ایرانی دوران جدید و معاصر است دوره ای که با گسترش و توسعه ی نفوذ غرب پدید آمد. غرب مسیحی به تدریج تحت تاثیر تغییراتی که از درون و بیرون در آن پدید آمد بنیان تمدنی جدید را گذاشت که طی چند قرن بعد رنسانس روز به روز بر گستره ی آن افزوده شده است این وضعیت ایران و کلیه ی جوامعی را که در قلمرو تمدن اسلامی قرار داشتند در مواجهه و مقابله با دیگری قوی وجدیدی قرار داد که پیش از آن نبود. در این دوره ایرانی که قبلاً خود را با توجه به سهمی که در تمدن اسلامی داشت تعریف می کرد باید خود را به عنوان ملتی تعریف کند که در مقابل سایر ملت ها قرار دارد. (رجب زاده، ۱۳۸۷، ۴۰).

در چنین شرایطی است که توسط اندیشمندانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، شریعتی و استاد مطهری اندیشه بازگشت به خویشتن مطرح می شود که البته سرآمد این شخصیت ها حضرت امام خمینی است. تداوم اندیشه ی بازگشت به خویشتن از یک سو مقارن با رواج اندیشه ی انتقادی نسبت به غرب در میان اندیشمندان ایرانی و از سوی دیگر هم زمان با تحولات اساسی در ساختار تشیع و در واقع تجدید حیات شیعه بود از پیوستن این جریان ها به یکدیگر بود که حاکمیت فکری گفتمان بازگشت به خویشتن با تحقق انقلاب اسلامی در مصدر حاکمیت سیاسی نیز قرار گرفت. (خلیلی، ۱۳۸۵، ۱۴).

امام خمینی (ره) نیز مانند اغلب اندیشمندان گفتمان بازگشت به خویشتن غرب گرایی و غرب زدگی را به چالش طلبیده و بازگشت به فرهنگ و هویت دینی را راه حل مشکل عقب ماندگی و انحطاط معرفی کرد به اعتقاد او اساس و ریشه ی مشکل عقب ماندگی مسلمانان، خودباختگی و غرب زدگی آن هاست که در نتیجه ی وابستگی فکری و فرهنگی به غرب حاصل شده است. به همین دلیل است که برای درمان این بیماری سخن از جایگزینی فرم غربی با یک فرم اسلامی می گوید. (خلیلی، ۱۳۸۵، ۱۶).

### ۱۰- انقلاب اسلامی نمود واقعی هویت ایرانی

اندیشه ی بازگشت به خویشتن در انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) تجلی یافت آنچه ملت تاریخی ایرانی در طی هزاره ها در تلاش برای دستیابی به آن بود با پیروزی انقلاب اسلامی به ثمر نشست و ایرانی توانست هویت واقعی خویش را مشاهده و ملاحظه کند.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایفای نقش رهبری فکری، سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی توسط امام خمینی (ره) نتیجه‌ی صورت‌بندی گفتمانی بازگشت به خویشتن در غیریت با گفتمان غرب‌گرایی است که طی چند مرحله پیوند خویشتن‌شناسی فردی و اجتماعی به تصویر کشیدن رویارویی غرب‌زدگی و بازگشت به خویشتن در عرصه‌ی مبارزات سیاسی - اجتماعی و تفسیر مکتبی از اسلام و ارایه‌ی تعبیر ایدئولوژیک از دین در راستای مبارزه با مصادیق غرب‌زدگی و غرب‌گرایی و ترسیم وضع مطلوب بر اساس فرهنگ و هویت دینی تحقق یافت. بر این اساس است که اندیشه و عمل امام علی رغم تفاوت‌های روشی و بینشی با دیگر اندیشمندان این گفتمان در تمایز با گفتمان غرب‌گرایی و در قالب گفتمان بازگشت به خویشتن قرار می‌گیرد. (خلیلی، ۱۳۸۵، ۱۸). در واقع رهبری نمونه حضرت امام خمینی (ره) موجب پیروزی انقلاب اسلامی شد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود که هویت ایرانی وارد مرحله جدیدی شد که همانا هویت اسلامی واقعی بود.

امام خمینی (ره) با کشف هویت اسلامی و حاکمیت دینی در قالب نظریه‌ی ولایت فقیه و با تلاش برای تحقق عملی حکومت اسلامی در واقع رویارویی دو گفتمان بازگشت به خویشتن و گفتمان غرب‌گرایی را آشکار ساخت و نظام جمهوری اسلامی را بر اساس چنین روابط گفتمانی‌ای بنا کرد. (خلیلی، ۱۳۸۵، ۲۵).

انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از نظام معنایی و نظام اندیشگی بدیع توانست طی یک فرایند تاریخی با وصل کردن خود به ریشه‌های تاریخی مشخص در حافظه قوی به صورت بدیل زنده سیاسی جلوه نماید و هویتی نوین را بر بنیان ارزش‌ها و آموزه‌های دینی شکل دهد. در فرایند انقلاب اسلامی نظام دانایی و تشکل‌گفتمانی دینی‌ایی شکل گرفت که با تمامی بداعتش ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت و به مثابه یک ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌ساز جلوه‌گر می‌شد. (تاجیک، ۱۳۷۹، ۱۷۳)

### ۱۱- نتیجه‌گیری

گذر کهن دیار ایران از مراحل مختلف تاریخی موجب شکل‌گیری هویت ایرانی شده است از آغاز تشکیل ایران زمین دین‌ورزی و خردورزی جزو مولفه‌های مهم و اساسی هویتی این سرزمین بوده است، چه آنگاه که مردمان این دیار آیین زردتشتی داشتند و چه آن زمان که با چشیدن زلال اسلام مرحله‌ای نوین را تجربه کردند که آنچه هویت ایرانی را در این مرحله شکل داد همانا دین مبین اسلام است. که به زعم برخی اندیشمندان از جمله استاد مطهری مهمترین عامل هویت بخشی مردمان ایران بوده است و برخی پس از اسلام، زبان فارسی را در شکل‌گیری هویت کشورمان بسیار ارزنده ارزیابی کرده‌اند از طرفی مذهب تشیع هم از ویژگی‌های هویتی این سامان محسوب می‌شود که پس از تشکیل سلسله صفویه وارد مرحله نوینی شد و ملت ایران با مذهب تشیع در مقابل سایر ملل مسلمان و غیرمسلمان هویت پیدا کرد. در دوران معاصر نیز با رویارویی غرب و فرهنگ اسلامی روبرو هستیم که سبب بوجود آمدن اندیشه بازگشت به خویشتن شد که

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سرآمد این اندیشه ورزان حضرت امام خمینی(ره) می باشد که ثمره این اندیشه شکل گیری انقلاب شکوهمند اسلامی است که این خود دوره ای تازه در هویت ایرانی به شمار می آید.

### منابع و مأخذ

۱. احمدی، حمید، (۱۳۸۲). «هویت ملی ایران در گسترده تاریخ». فصلنامه مطالعات ملی. سال چهارم. شماره ۱.
- اشرف، احمد، (۱۳۸۷). «هویت ایرانی به سه روایت». دوماهنامه بخارا. سال یازدهم. شماره ۶۶.
- اعوانی، غلامرضا، (۱۳۸۳). «روشنفکران ایران و هویت (۲)». فصلنامه مطالعات ملی. سال پنجم. شماره ۴.
- بیانی، شیرین، (۱۳۸۲). «تاریخ نگاران و هویت ملی (۱)». فصلنامه مطالعات ملی. سال چهارم. شماره ۱.
- پارسانیا، حمید، (۱۳۹۰). جامعه شناسی (۲). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- تاجیک، محمد رضا، (۱۳۷۹). «روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵.
- حاجیان، ابراهیم، (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم شماره ۵.
- خانی، حسین، (۱۳۸۷). «هویت ایرانی در گذرگاه تاریخ». فصلنامه مطالعات ملی. سال نهم. شماره ۱.
- خلیلی، رضا، (۱۳۸۴). «تکوین تعامل دین و هویت در اندیشه ی امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم. شماره ۲.
- دریابندری، نجف، (۱۳۶۹). «فارسی زبان مشترک ایرانیان». مجله آدینه. شماره ۴۳ و ۴۴.
- راعی گلوچه، سجاد، (۱۳۸۲). «هویت ملی و ایرانی گری در تاریخ نگاری زرین کوب». فصلنامه مطالعات ملی. سال چهارم. شماره ۱.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۱). مشکله هویت ایرانیان امروز. تهران: نشر نی.
- رجب زاده، احمد، (۱۳۸۶). جامعه شناسی (۱). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- رجب زاده، احمد، (۱۳۸۷). جامعه شناسی (۲). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- رزازی فر، افسر، (۱۳۷۹). «الگوی جامعه شناختی هویت ملی در ایران (۱)». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵.
- روح الامینی، محمود، (۱۳۷۹). «میزگرد فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت ها و چالش ها». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۴.
- زاهد، سعید، (۱۳۸۴). «هویت ملی ایرانیان». راهبرد یاس. سال اول. شماره ۴.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۳). تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: انتشارات امیر کبیر.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کیوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- شیخاوندی، داور ، (۱۳۸۰). تکوین و تنفیذ هویت ایرانی. تهران: انتشارات بازشناسی اسلام و ایران.
- طباطبایی، سید جواد ، (۱۳۸۴). دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
- فلاح، مرتضی ، (۱۳۸۷). «نقش زبان فارسی در گسترش هویت ملی و فرهنگی ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال نهم. شماره ۲.
- فوزی، یحیی، (۱۳۷۹). «امام خمینی (ره) و هویت ملی در ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال سوم. شماره ۴
- قربانی، قدرت ا... ، (۱۳۸۳). «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری». فصلنامه مطالعات ملی . سال پنجم . شماره ۲
- کرمی پور، حمید، (۱۳۸۲). «عباس اقبال آشتیانی هویت ایرانی». فصلنامه مطالعات ملی. سال چهارم. شماره ۲.
- گودرزی، حسین، (۱۳۸۶). «باز آفرینی مفهوم ایران در دوره ی صفویه و رابطه آن با هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم . شماره ۱.
- لک، منوچهر ، (۱۳۸۴). «هویت ملی در شعر معاصر ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال ششم. شماره ۴.
- مروار، محمد، (۱۳۸۳). «هویت ایرانی در اندیشه ی رضا داوری اردکانی». فصلنامه مطالعات ملی. سال پنجم. شماره ۴.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲). خدمات متقابل اسلام در ایران. تهران: انتشارات صدرا. چاپ نوزدهم.
- معین، محمد ، (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران : امیر کبیر.
- هرامیدس باوند، داود، (۱۳۷۷). «چالش های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ». ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی . سال دوازدهم. شماره ۱۲۹ و ۱۳۰.
- یوسفی، علی، (۱۳۸۰). «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران». فصلنامه مطالعات ملی . سال دوم . شماره ۸.